

باورها و تأثیر آن در اصلاح الگوی مصرف

داود حیدری

عضو هیأت علمی دانشگاه علوم اسلامی رضوی

چکیده

تاریخ دریافت: ۸۸/۱۰/۱۲ - تاریخ پذیرش: ۸۸/۱۱/۵

بشر امروز به شکل فزاینده‌ای در حال مصرف همه چیز حتی مصرف خود برای دستیابی به لذت‌های خیالی است. این سبک زندگی که محصول نگرش غیر دینی به انسان و کمال اوست بحران‌های زیستی، معرفتی و اخلاقی در پی داشته و او را از حقیقت خویش دور ساخته است. اصلاح سبک زندگی انسان و جلوگیری از مصرف افسار گسیخته، نیازمند رجوع به دین و تطبیق الگوهای رفتاری با آموزه‌های دینی است. در این مقاله به مهم‌ترین باورهای دینی تأثیرگذار در رفتار انسان اشاره شده است.

کلید واژه‌ها: مصرف، دین، نگرش توحیدی، دنیا، آخرت.

رابطه باور و رفتار

به نیازهای مادی اصالت می‌دهد و همه مناسبات زندگی خود را بر پایه بهره‌مندی هر چه بیش‌تر از طبیعت و انباشت ثروت تنظیم خواهد کرد و نگاه او به جهان پیرامونش نیز تنها از دریچه منافع و سود شخصی خواهد بود، اما انسانی که به حیات ابدی معتقد و در پی رسیدن به کمال حقیقی است، رفتار وی نیز در جهت

رفتارها و کنش‌های فردی و اجتماعی انسان به عنوان موجودی صاحب اراده و هدفمند، برخاسته از نگرش‌ها، باورها و ارزش‌هایی است که انسان آگاهانه یا ناآگاهانه پذیرفته است. کسی که انسان را تنها حیوانی همچون دیگر حیوانات بداند و حقیقت اخروی او را منکر باشد مسلماً تنها

رسیدن به کمال حقیقی سامان می‌یابد. مصرف که در اقتصاد مورد توجه است با تفسیری که انسان از حقیقت خویش و جایگاهش در نظام هستی دارد مرتبط است. مصرف به عنوان یک رفتار انسانی در سطح فردی و اجتماعی بیش‌تر در بستر باور و نگرش حاکم بر اذهان افراد و جامعه شکل می‌گیرد و بر برداشت خاصی از مفهوم سعادت و خوشبختی انسان استوار است. بی‌گمان در بسیاری از موارد، الگوهای رفتاری انسان‌ها نه بر اساس نگرش‌ها و باورها، بلکه بر پایه‌ی عادت‌هایی است که به سبب مجاورت، تقلید یا تربیت‌های اجتماعی، خودآگاه یا ناخودآگاه در آن‌ها ایجاد شده‌اند. بسیاری از انسان‌ها به سبب جهالت یا غفلت، دانسته یا ندانسته، به گونه‌ای رفتار می‌کنند که با باورها و ارزش‌ها یا دیگر اعمالشان سازگار نیست. چه بسیار انسان‌هایی که صادقانه به ارزش‌ها و باورهایی ایمان آورده‌اند، اما از لوازم علمی یا عملی آن ارزش‌ها و باورها بی‌خبرند یا تحت تأثیر احساسات و گرایش‌ها از پابندی به آن‌ها سرباز می‌زنند و بی‌آن‌که خود بدانند دچار ناسازگاری فکری و عملی می‌شوند. رواج ناسازگاری

فکری یا عملی به تدریج انسان‌ها و جوامع را دچار بحران هویت می‌کند و سرمایه‌های مادی معنوی آنان را به هدر می‌دهد و در سطح جامعه همبستگی اجتماعی را فرو می‌ریزد.

انسان‌ها و جوامع برای رهایی از پیامدهای ناسازگاری باور و رفتار ناگزیرند یکی از دو راه را برگزینند: حفظ الگوهای رفتاری جدید و ابداع باورهای متناسب با آن‌ها یا حفظ باورهای پیشین و طراحی الگوهای رفتاری متناسب با آن‌ها. انتخاب یکی از این دو راه به عواملی از جمله: عقلانی و فطری بودن باورها و ارزش‌ها و نیز توان آن‌ها در برطرف ساختن نیازهای اساسی بشر، جذابیت و کارآمدی الگوهای رفتاری جدید و همچنین سطح آگاهی و عقلانیت افراد جامعه بستگی دارد.

بنابراین باید توجه داشت که برای ترویج رفتار صحیح در جامعه باید اولاً بستر پذیرش ارزش‌ها و باورهای اصیل دینی افراد و تثبیت و تعمیق آن‌ها را فراهم ساخت. ثانیاً الگوهای رفتاری کارآمد و همسو با باورهای اصیل را طراحی و به شیوه‌های گوناگون در ترویج، گسترش و نهادی کردن آن تلاش نمود. ثالثاً از نفوذ و

گسترش الگوهای رفتاری ناسازگار با آن باورها و ارزش‌ها که سلامت فکری جامعه را به خطر می‌اندازد، جلوگیری کرد.

فرهنگ مصرف در عصر حاضر

با ظهور مدرنیسم و تحول در نگرش انسان غربی و گسترش تکنولوژی نوین، سبک نوینی از زندگی پدید آمد که بر بنیان نگاه غیر دینی از هستی، انسان و سعادت او بنا شده است. سبک نوین زندگی به شدت با نوع و چگونگی مصرف افراد جامعه مدرن درآمیخته است. مصرف دیگر یک پدیده صرفاً اقتصادی ساده برای رفع نیازهای واقعی زیستی نیست، بلکه معیاری برای نشان دادن هویت و ارزش‌ها و پایگاه اجتماعی افراد گردیده است. مصرف در دنیای جدید چنان ارزش و اهمیتی دارد که همه اعمال اجتماعی، ارزش‌های فرهنگی، ایده‌ها، آرزوها و هویت‌ها در رابطه با مصرف تعریف می‌شوند و جهت می‌یابند.

در نظام ارزشی و فرهنگی تمدن غرب، مصرف هدفی اصیل و موجب سعادت انسان است. نیکبختی آدمیان فقط با مصرف کالا و خدمات تأمین می‌شود و تنها راه افزایش این نیکبختی با بالا بردن میزان

مصرف میسر است. بنابراین کسب لذت و کاهش هرگونه محرومیت و درد و رنج فردی در بعد مادی و حیوانی، پایه اصلی همه فعالیت‌های انسان مدرن در جامعه پیشرفته به‌شمار می‌آید.

در این نگرش، سودمندی و سودانگاری^۱ به عنوان یک معیار در درستی و نادرستی رفتار تلقی می‌شود. «دومندویل» معتقد است که «خودمحوری و سودطلبی»، گرچه رذیلت نامیده می‌شود، اما به نفع جامعه است و بدون لذت‌پرستی، خودخواهی مادی، حرص، زیاده‌طلبی، تکاثر و شهوترانی، زندگی متوقف می‌شود. اگر می‌خواهید به جامعه خدمت کنید، بگذارید رذیلت‌های فردی، خودخواهی‌ها و مادیت‌ها، زیادتر شوند.^۲

نظام سرمایه داری غرب به منظور گسترش سلطه خویش با بهره‌گیری از رسانه‌های جمعی و تبلیغات مدرن، تنوع بخشی به کالاهای مصرفی و ایجاد گرایش‌هایی انحرافی مثل مدگرایی و تجددطلبی، به اشاعه ایدئولوژی

۱. Utilitarianism

۲. عبدالرحمان عالم، تاریخ فلسفه سیاسی غرب، ص ۳۸۳.

مصرف‌گرایی دامن می‌زند. نظام سلطه برای حفظ سیستم کنونی اقتصاد آزاد و دستاوردهای آن، از یک‌سو پیوسته ماندگاری تولیدات کارخانه‌ها را کاهش می‌دهد و از سوی دیگر با تولید نیازهای کاذب، مردم را به مصرف هر چه بیشتر و اسراف و تبذیر وادار می‌کند. روزه گارودی معتقد است: «اقتصاد آزاد به شیوه غربی برای رفع احتیاج بازار نیست، بلکه برای ایجاد بازار احتیاج است.»^۱ از همین روست که بقای جامعه مدرن در گرو تربیت مصرف‌کنندگانی خوب و سودآور و به قول اسلیتر «قهرمانان مدرنیته» است؛ مصرف‌کنندگانی که نباید حتی لحظه‌ای به آن‌ها فرصت داد تا از این رویا (مصرف) به‌درآیند، بنابراین تبلیغ‌کنندگان کالاها باید دائماً فعال باشند و سخت کار کنند تا پیام آن‌ها به صورت ممتد به مشتریان‌شان برسد و انقطاعی صورت نگیرد.^۲

در کشور ما به دلیل وجود معارف والا

۱. روزه گارودی، *هشدار به زندگان*، ص ۴۹۵.

۲. به نقل از: محمد علی موسوی و همکاران، «مصرف‌گرایی در آمریکا در بستر فضای مجازی»، *نشریه جهانی رسانه*، بهار ۱۳۸۸، شماره ۷. آدرس اینترنتی:

<http://gmj.ut.ac.ir/maghale.aspx?id=62>

و فرهنگ قدرتمند اسلامی، گسترش الگوهای توسعه به مفهوم غربی آن هر چند با چالش‌ها و مقاومت‌های فراوانی روبه‌رو بوده و هست، اما متأسفانه به دلیل بی‌توجهی به مبانی و ابعاد گستره توسعه غربی، از جمله انسان‌مداری، مادی‌گرایی، منفعت‌طلبی، کمی‌نگری،... و نیز مظاهر چشم‌نواز و دل‌فریب آن، باعث شده است آسیب‌های آن فرهنگ از جمله رواج مصرف‌گرایی دامنگیر بخش‌های بزرگی از فرهنگ، اقتصاد و صنعت جامعه گردد.^۳

بدون شک مصرف‌گرایی نوین به مثابه یک آسیب فرهنگی ریشه در نگرش تمدن جدید و غفلت از تعالیم دینی دارد. از این‌رو برای غلبه بر آن راهی بجز بازگشت به تعالیم آسمانی ادیان نیست. این نکته‌ای است که برخی اندیشمندان غرب بدان اذعان دارند. بیل مک کین در مقاله‌ای به نام «نقش مذهب در نجات محیط زیست» می‌نویسد: «دین به ما کمک می‌کند که در میان همه چیزهای دیگر، خود را بشناسیم و بدانیم که چگونه باید عمل کرد.»^۴

۳. بنگرید به: حسن فاطمی، *گرسنگی؛ ارمغان استعمار*، ص ۲۳۰.

۴. بیل مک کین، «نقش مذهب در نجات محیط

←

مفهوم مصرف در متون دینی

اقتصاددانان می‌گویند: ثروت، منبع درآمد است و درآمد خالص (درآمد منهای استهلاک) به دو منظور استفاده می‌شود: بخشی از آن به انباشتن ثروت و پس‌انداز اختصاص می‌یابد و بخش دیگر، صرف تحصیل لذت می‌شود. آن قسمت از درآمد که صرف به دست آوردن لذت می‌گردد، مصرف نام دارد.^۱ دقیقاً نمی‌توان برای این معنا از مصرف در آیات و روایات معادلی پیدا کرد. البته واژه‌های بسیاری در متون دینی به بهره‌گیری از امکانات دنیوی اشاره دارد که به دلیل همراهی یا عدم همراهی با ارزش‌های دین، اغلب آن‌ها بار معنایی مثبت یا منفی دارند و برخی دیگر از واژه‌ها نیز به مصادیق خاصی از بهره‌مندی اشاره می‌کنند. تعدادی از این واژگان عبارت‌اند از: استمتاع، تمتع، اکل، اقتصاد، قناعت، حرص، اسراف، اتراف، تبذیر، اقتار، انفاق، ایثار، احسان، بخل، شکر، تنعم، اضاعه مال، شکر نعمت، کفران نعمت، هزینه کردن

→

زیست»، سیاحت غرب، ش ۱۷، آذر ۱۳۸۳، ص ۱۳۱ - ۱۳۸، به نقل از نشریه: American Academy of Arts and Sciences, no. 130.
۱. باقر قدیری اصل، کلیات علم اقتصاد، ص ۲۷۴.

نابجای اموال و برخی از این واژگان به گونه‌هایی از مصرف اشاره دارند که از نگاه دینی ناپسند است و دینداران از انجام آن‌ها نهی شده‌اند و برخی دیگر از رفتارهای پسندیده و مورد رضایت خداوند شمرده شده‌اند.

نکته اساسی آن است که تلقی اسلام از هر یک از کلماتی که به گونه‌ای به بهره‌مندی انسان از طبیعت اشاره دارد، در ذیل باورهای بنیادین دینی قابل فهم است. بهره‌مندی از طبیعت اگر بر اساس نگرش توحیدی به هستی و انسان و در جهت کمال حقیقی وی باشد امری نیکو و پسندیده است. به بیان دیگر، در تعالیم اسلام هر گونه روابط انسانی در حیات فردی و اجتماعی از جمله بهره‌مندی از متاع دنیوی، بر مبنای نگرش توحیدی تنظیم شده‌اند.

نگرش توحیدی به ویژه توحید افعالی خداوند (یعنی توحید در خالقیت، مالکیت، ربوبیت، حاکمیت، الوهیت و ...) نقشی

۲. برای شناخت اجمالی واژگانی از این دست بنگرید به: محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ترجمه حمید رضا شیخی، قم: دارالحديث، ۱۳۷۷، ج ۱۵.

اساسی در قلمرو باورها، ارزش‌ها و اعمال انسان موحد دارد.

مبانی دینی مصرف صحیح

با شناخت ابعاد نگرش توحیدی و مقایسه آن با نگرش‌های اومانیستی و غیروحيانی به خوبی می‌توان دریافت که چگونه باورهای توحیدی در اصلاح رفتارهای انسان از جمله در حوزه مصرف اثرگذارند. پذیرش عمیق و آگاهانه باورهای اصیل دینی، رفتار مصرفی انسان دینی را به کلی دگرگون می‌سازد. در این جا به اصلی‌ترین این باورها اشاره می‌شود:

۱- باور به غیب و عوالم برتر از عالم

ماده

در نگاه دینی هستی به عالم طبیعت و ماده منحصر و محدود نیست، بلکه ساحت‌های متعالی‌تر از طبیعت نیز وجود دارد. انسان دیندار کسی است که به ساحت‌های برتر از عالم ماده ایمان داشته باشد:

﴿الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ﴾ (بقره / ۳)؛ آنان که به غیب ایمان می‌آورند و نماز می‌گزارند، و از آنچه

رویشان داده‌ایم انفاق می‌کنند.

انسان دینی به دلیل این‌که همه ابعاد زندگی طبیعی و مادی خود را در احاطه غیب می‌داند، هیچ‌گاه در مناسبات و رفتار طبیعی خود از باطن امور که نقشی تعیین‌کننده نسبت به ظاهر دارد، غافل نمی‌ماند و بر همین اساس نیز کردار فردی و اجتماعی خود را تنظیم می‌کند.

در مقابل این نگرش، دیدگاه دیگری قرار دارد که وجود عوالم غیر مادی را منکر است یا با دیده شک بدان می‌نگرد یا این‌که عالم طبیعت را مستقل و بریده از آن عوالم تفسیر می‌کند. بدون تردید بشر با انکار عوالم غیبی و محدود دانستن هستی در عالم مادی یا غفلت از عوالم برتر، خود را از درک حقیقت هستی محروم می‌کند و دیگر حتی توان فهم کمال و سعادت خود را نیز نخواهد داشت.

۲- باور به یگانگی خداوند

بر اساس نگرش توحیدی خداوند خالق همه موجودات عالم است و در هستی او تردیدی نیست:

﴿قَالَتْ رُسُلُهُمْ أَفِي اللَّهِ شَكٌّ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾ (ابراهیم / ۱۰)؛ آیا در خدا - آن

آفریننده آسمان‌ها و زمین - شکی هست؟ خداوند فوق همه موجودات و آفریدگار و خالق آنهاست و وجه آن خالق یگانه از تمام جهات هستی هویداست. آفریدگار هستی وجودی برتر و متعالی است که از نقایص همه موجودات منزّه بوده و کمالات آنها را به گونه‌ای برتر و عالی‌تر داراست. آن هستی واحد و نامحدود، مبدأ و اصل دیگر مراتب موجودات و از جمله موجودات مادی و دنیوی می‌باشد و بر همه موجودات احاطه دارد. اهمیت توحید به اندازه‌ای است که علامه طباطبایی می‌فرماید: اسلام عقیده دارد که زندگی دنیا جز برای کسب معارف الهی نیست که همه آنها منحل به توحید می‌شود.^۱

۳- باور به مالکیت خداوند نسبت به جهان هستی

مالکیت حقیقی که امری تکوینی و واقعی است منحصرأ از آن خداوند است: ﴿أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ﴾ (بقره/۱۰۷)؛ آیا نمی‌دانی که خدا فرمانروای

۱. محمد حسین طباطبایی، روابط اجتماعی در اسلام، ص ۴۶.

آسمان‌ها و زمین است و شما را جز او یاری و یآوری نیست؟

بنابراین مالکیت انسان نمی‌تواند مطلق و ملازم با آزادی تصرف بی‌قید و شرط باشد. انسان برای تصرف در جهان حتی جان و مال خود، به حدودی که خداوند تعیین کرده است، محدود می‌شود و نمی‌تواند بدون اذن خداوند در عالم تصرف کند. مالکیت انسان بر آنچه که در اختیار اوست، تنها عطیه‌ای الهی است و باید در راه او و به گونه‌ای که فرمان می‌دهد، صرف شود. ﴿... وَءَاتَوْهُمْ مِّنْ مَّالِ اللَّهِ الَّذِي ءَاتَاكُمْ...﴾ (نور/۳۳)؛ و از آن مال که خدا به شما ارزانی داشته است به آنان بدهید.

چنان که در روایتی امام صادق علیه السلام حقیقت عبودیت را در سه چیز می‌داند:

این که بنده در آنچه خداوند به او عطا فرموده است برای خود مالکیتی در نظر نگیرد؛ زیرا بندگان [واقعی خدا] مالک چیزی نیستند، مال را متعلق به خدا می‌دانند و آن را هر جا که خداوند عزوجل فرمان داده است به مصرف می‌رسانند. [دوم] بنده برای خود تدبیر و چاره‌اندیشی نکند، و [سوم] تمام اشتغالش به چیزهایی باشد که خداوند عزوجل او را به انجام آنها فرمان

داده یا از آن‌ها باز داشته است... این نخستین درجه پرهیزگاران است.^۱

انسان مؤمن با اعتقاد به مالکیت مطلق خداوند خود را نیز امانت الهی می‌داند و هیچ‌گاه با افکار، رفتار یا کردار ناشایست به گوهر الهی خویش آسیب نمی‌رساند؛^۲ زیرا او بر این باور است که با سرپیچی از دستورات الهی به خود ظلم کرده است:

﴿وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ﴾ (طلاق/۱) و هر که از مقررات خدا [پای] فراتر نهد به خود ستم کرده است.

۴- باور به ربوبیت خداوند

خداوند همان‌گونه که تنها خالق و مالک هستی است، همچنان تنها مدبّر و یگانه پرورنده عالم هستی نیز هست.

﴿يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ﴾ (سجده/۵)؛ کار را از آسمان تا زمین سامان می‌دهد.

در حقیقت رب جهان همان کسی که مخلوقات را با ویژگی‌های خاص آفریده و

۱. میزان الحکمه، ج ۷، ص ۱۲، به نقل از: مشکاة الانوار، ص ۵۶۳.

۲. بنگرید به: بقره/۹۰ و ۱۰۲؛ یونس/۴۴؛ توبه/۷۰؛ آل عمران/۱۱۷؛ انعام/۱۲۳؛ حشر/۱۹؛ زمر/۱۶؛ شوری/۴۵.

تدبیر می‌کند. بنابراین با پذیرش خالقیت خداوند ناگزیر به پذیرش ربوبیت او نیز هستیم.

ربوبیت حق تعالی بر دو گونه است: ربوبیت تکوینی و ربوبیت تشریحی. مراد از ربوبیت تکوینی آن است که نظام این جهان که شامل مجموعه پدیده‌های بی‌شمار گذشته و حال و آینده می‌شود تحت تدبیر حکیمانه یک پروردگار اداره می‌شود.^۳ و ربوبیت تشریحی بدین معناست که خداوند با جعل مقررات و قوانین و راهنمایی‌های خود، رفتار اختیاری انسان را تدبیر می‌کند و راه سعادت وی را فرا رویش قرار می‌دهد. بنابراین انسان باید در رفتار اختیاری خود از خداوند اطاعت کند و حکم غیر خدا را نپذیرد:

﴿إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ﴾ (یوسف/۴۰)؛ حکم جز حکم خدا نیست.

اعتقاد به توحید در خالقیت، مالکیت و ربوبیت (تکوینی و تشریحی) این انگیزه را در انسان پدید می‌آورد که تنها او را بپرستد و اعمال خویش را بر اساس حکم خداوند تنظیم کند و نه به میل و خواست خویش؛

۳. محمد تقی مصباح یزدی، آموزش فلسفه، ج ۲، ص ۳۸۹.

زیرا رستگاری و کمال انسانی در گرو ایمان به خداوند و عمل به مقررات و تعالیم الهی است.

۵ - باور به معاد

ایمان به معاد و تداوم زندگی در جهان آخرت، از باورهای اساسی ادیان الهی است و در شکل دهی رفتار دینداران تأثیر بسزایی دارد. در نگرش دینی مرگ پایان زندگی نیست. همه انسان‌ها دارای زندگی جاودانه‌اند و به سوی مبدأ متعالی بازخواهند گشت و پاسخگوی اعمال خوب یا بد خود خواهند بود. بنابراین انسان دینی در رفتارهای خود به پیامدهای اخروی آن‌ها می‌اندیشد و از هر گونه رفتاری که زندگی ابدی او را به خطر اندازد دوری خواهد جست؛ زیرا او در مقایسه دنیا و آخرت، اصالت را از آن آخرت می‌داند و حیات حقیقی خود را در آخرت جست‌وجو می‌کند:

﴿وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهُوٌّ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ﴾
(عنکبوت/۶۴)؛ زندگانی این دنیا چیزی جز سرگرمی و بازیچه نیست. اگر بدانند، سرای آخرت سرای زندگانی است.

بسیاری از انسان‌های ظاهر بین در پی دنیا هستند حال آن‌که خداوند آخرت را برای انسان‌ها خواسته است.^۱

مؤمنان نیز کمال خویش را در پذیرش اراده الهی می‌دانند و با قرار دادن اراده خویش در جهت اراده الهی، با تمام وجود خویش در طلب آخرت می‌کوشند.^۲

پذیرش معاد، افق زمانی آثار رفتار را تا بی‌نهایت گسترش می‌دهد و انسان معتقد به معاد، نسبت به رفتارهای خود منافع و نتایج آن‌ها را در این افق گسترده بررسی کرده، تصمیم به انجام آن می‌گیرد. امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: «الْحَازِمُ مَنْ لَمْ يَشْغَلْهُ غُرُورُ دُنْيَاةٍ عَنِ الْعَمَلِ لِأُخْرَاةٍ»؛^۳ دور اندیش کسی است که فریبندگی دنیا او را از کار برای آخرتش باز ندارد.

یکی از اندیشمندان غربی به نام کینز می‌گوید ما بلندمدت فکر نمی‌کنیم؛ چون در بلندمدت همه مرده‌ایم. دیدگاه دینی نمی‌تواند کوتاه‌مدت فکر کند؛ چون در بلندمدت زنده است.^۴

۱. بنگرید به: انفال/۶۷.

۲. بنگرید به: اسراء/۱۹.

۳. میزان الحکمه، ج ۳، ص ۵۶، به نقل از: غرر الحکم، ص ۱۹۸۴.

۴. به نقل از: ماهنامه مهندسی فرهنگی، سال دوم، ←

از آن جا که منکران معاد کوتاه نگر هستند از درک عملی که آنان را در مسیر صحیح قرار دهد عاجزند و چنان گمراه گشته اند که حتی اعمال زشت خود را زیبا می-پندارند^۱.

هنگامی که روح انسان بر اساس ایمان به آخرت پرورش یابد و باور داشته باشد که روزی اعمال خود را مشاهده خواهد کرد، چنین باوری سبب می شود که وی همه عقاید، اخلاق و کردار و رفتار خود را بر اساس این ویژگی پایه ریزی کند. و اگر انسان آخرت را فراموش کند هیچ دلیلی ندارد که خود را به ضوابط و مقررات بشری پایبند بداند.

۶- حقیقت انسان

در نگاه اسلامی هستی هدفمند است و انسان نیز به عنوان یکی از آفریده های الهی از هدفی معین در هستی برخوردار است و آن تقرب به خداوند است:

﴿أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ﴾ (مؤمنون/۱۱۵)؛ آیا پندارید که شما را بیهوده آفریده ایم و شما به سوی ما

ش ۱۲، شهریور و مهر ۱۳۸۶، ص ۸۹.

۱. بنگرید به: نمل/۴.

بازگردانده نمی شوید؟

خداوند مظهر همه کمالات و خوبی ها و عالی ترین واقعیت جهان هستی است و سعادت حقیقی انسان در این است که با شکوفایی استعدادهای درونی اش به خداوند نزدیک شود. بنابراین هدف از آفرینش انسان، این است که با اختیار خود به کمال نهائی اش که همانا بندگی خداوند و قرب به اوست، دست یابد^۲.

انسانی که در پی تقرب به خداوند است تلاش می کند همه هستی خود را در مسیر رضایت حق تعالی قرار دهد؛ زیرا سعادت حقیقی همان رضایت الهی است:

﴿وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾

(توبه/۷۲)؛ ولی خشنودی خدا از همه برتر است که پیروزی بزرگ، خشنودی خداوند است.

بنابراین هر عملی که موجب نزدیک شدن انسان به خدا شود، ارزشمند و شایسته انجام است و هر چه مانع تقرب به خداوند و موجب دوری انسان از وی گردد، ناشایست است.

پیامد اشتغال به خود گیاهی و حیوانی و لذات زودگذر دنیا، غفلت است. غفلت از

۲. بنگرید به: قمر/۵۴ و ۵۵.

خالق متعالی و حقیقت انسانی خود و از هدفمندی جهان آفرینش و خلقت آسمانها و زمین و حقیقت آخرت و چشم فرو بستن از واقعیت‌های پیدا و پنهان هستی؛ انسانی که جنبه الهی خود را فراموش می‌کند نهایت همت خود را صرف دستیابی به نیازهای جسم می‌کند و از حیات ابدی خود غافل است. کمال چنین انسانی نیز در همان محدوده طبیعت است:

﴿وَمَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ﴾ (شوری/۲۰)؛ هر کس کشت دنیا را بخواهد به او عطا می‌کنیم، ولی دیگر در کشت آخرتش نصیبی نیست.^۱

در مقابل، در نگرش توحیدی، انسان به احیا و اهتمام به بعد انسانی و خود حقیقی‌اش فرا خوانده می‌شود. البته این به معنای دست کشیدن از دنیا نیست. در این نگرش دنیا و نعمت‌های آن نقش بسیار مهمی در نیل به کمالات انسانی و مراتب حقیقی او دارند، چنان‌که در روایات از نعمت‌ها و امکانات دنیوی به عنوان بهترین کمک رسان برای طلب آخرت یاد شده است. امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید:

۱. بنگرید به: هود/۱۵.

«نعم العون علی الآخرة الدنيا».^۲

۷- بهره‌گیری از نعمت‌های الهی

در نگرش دینی خداوند مواهب طبیعی را اعم از نعمت‌های آسمانی و زمینی در اختیار انسان قرار داده است، تا با بهره‌گرفتن از آنها در مسیر کمال حرکت کند.^۳ خداوند از انسان خواسته است که زمین را آباد کند و از منافع آن بهره‌مند گردد:

﴿هُوَ أَنشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُجِيبٌ﴾ (هود/۶۱)؛ اوست که شما را از زمین پدید آورده است و خواست که آبادانش دارید. پس از او آمرزش خواهید و به درگاهش توبه کنید. هر آینه پروردگار من نزدیک است و دعاها را اجابت می‌کند.

بهره‌وری از منابع و منافع و مصالح اقلیم زمین و همه ظرفیت‌های مناسب آن هم حق بشر است و هم تکلیف الهی است.^۴ بنابراین اگر کوتاهی کنند مسئول‌اند و در قیامت کیفر می‌بینند:

﴿وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا

۲. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۲۹.

۳. بنگرید به: نحل/۱۲.

۴. عبد الله جوادی آملی، حق و تکلیف در اسلام، ص

۲۲۲ - ۲۲۵.

مَعَايِشَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ﴾ (اعراف/۱۰)؛ در زمین جایگاهتان دادیم و راه‌های معیشتتان را در آن قرار دادیم. و چه اندک سپاس می‌گزارید.

تأکید بر عمران و آبادی دنیا از این نگاه برآمده است که انسان خود، ماهیت و حقیقت آینده خود را می‌سازد و همه عقاید، اخلاق، رفتار و گفتارش در همه امور فردی، اجتماعی، سیاسی، معیشتی، فرهنگی و ... در این سازندگی نقش دارند و با آخرت او در ارتباط‌اند. اگر رفتارهای انسان تا این اندازه در سرنوشت او اثر دارد او باید بداند چگونه عمل کند، تا در ادامه حیات جاودانه خود دچار خسران و زیان نشود. از این رو او نیازمند هدایت‌کننده‌ای است که آثار اخروی افکار و اعمال دنیوی را بیان کند.^۱

علامه طباطبایی می‌گوید: نعمت‌هایی که خدای تعالی به آدمی ارزانی داشته اگر انسان مورد بازخواست از آن‌ها قرار می‌گیرد، از این جهت نیست که نعمت‌ها مثلاً گوشت بوده یا نان یا خرما و یا آب خنک، و یا مثلاً چشم یا گوش و یا دست

۱. عبد الله جوادی آملی، نسبت دین و دنیا؛ بررسی و نقد نظریه سکولاریسم، ص ۱۵۹.

و پیا بوده، بلکه از این جهت از آن‌ها پرسش می‌شود که خدای تعالی آن‌ها را آفریده تا نعمت بشر باشند، و آن‌ها را در طریق کمال بشر و رسیدنش به قرب عبودی واسطه و وسیله کرده، که بیانش به طور اشاره گذشت، و بشر را دعوت کرده که آن نعمت‌ها را به عنوان شکر مصرف کند، و طوری استعمال کند که آن استعمال شکر شمرده شود نه کفران. پس آنچه از آن بازخواست می‌شویم نعمت است بدان جهت که نعمت است، نه بدان جهت که خوردنی یا پوشیدنی و یا اعضای ذی قیمت بدنی است، و معلوم است که خود آدمی نمی‌تواند تشخیص دهد که داده‌های خدای تعالی را چگونه استعمال کند تا نعمت شود، و یا به عبارت دیگر شکر باشد نه کفران. تنها راهنما در این باب دین خداست که رسول خدا ﷺ آن را آورده، و امامانی از اهل بیت خود را برای بیان آن دین نصب فرموده. پس برگشت سؤال از نعیم، سؤال از عمل به دین است، در هر حرکت و سکون. و نیز این معنا معلوم است که سؤال از نعیم که گفتیم سؤال از دین است، سؤال از رسول خدا ﷺ و امامان بعد از آن جناب است که خدا اطاعتشان را

واجب و پیرویشان را در سلوک الی الله فریضه کرده، و طریق سلوک الی الله، همان استعمال نعمت است به آن نحوی که رسول و امامان دستور داده‌اند.^۱

نگرشی که بخواهد بدون آگاهی از دو سوی ابد و ازل انسان برای امور زندگی او برنامه ریزی کند و برای سنجش و ارزیابی اعمال او تنها به پیامدهای دنیوی آن‌ها توجه داشته باشد چگونه خواهد توانست صلاح و رستگاری انسان را تأمین کند؟

نتیجه

الگوپردازی از مدل‌های غربی برای دستیابی به رفاه و توسعه، بدون درک درست و عمیق مبانی و عواقب آن سبب شده است که افراد جامعه در دام مصرف‌گرایی بیافتند. اصلاح الگوی مصرف بدون شناخت انسان و نیازهای حقیقی و نیز کمال او امکان‌پذیر نیست و این شناخت تنها در پرتو نگرش توحیدی و ایمان دینی به دست می‌آید.

اگر انسان و کمال و سعادت او مستقل از مبدأ و معاد او تعریف شود و اعمال

۱. محمد حسین طباطبایی، *المیزان*، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، ج ۲۰، ص ۶۰۶.

انسان با غفلت از آثار اخروی آن تنظیم گردد، بجز منافع شخصی و شهوات و لذت‌گرایی چیز دیگری نمی‌تواند انگیزه رفتار آدمی باشد. میل شدید به مصرف، نتیجه قهری اصالت یافتن لذت است. در این صورت عقل انسان نیز بنده و خدمتگزار شهوت خواهد بود و ناتوان از نشان دادن سبک صحیح زندگی و اصلاح الگوی مصرف.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. جوادی آملی، عبدالله، *حق و تکلیف در اسلام*، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۴ ش.
۳. ———، *نسبت دین و دنیا؛ بررسی و نقد نظریه سکولاریسم*، قم: مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۱ ش.
۴. ———، *معاد در قرآن*، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۰ ش.
۵. حر عاملی، محمد بن حسن، *وسایل الشیعه*، تحقیق مؤسسه آل البیت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۴ ق.
۶. سید رضی، محمد بن حسن، *نهج البلاغه*، تحقیق صبحی صالح، بیروت، دارالاسوه، ۱۴۱۵ ق.
۷. طباطبایی، محمد حسین، *روابط اجتماعی در اسلام*، قم، بوستان کتاب.

۸. — المیزان، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۷ش.
۹. عالم، عبدالرحمان، تاریخ فلسفه سیاسی غرب، وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۸۱ش.
۱۰. فاطمی، حسن، گرسنگی، ارمغان استعمار، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۲ش.
۱۱. قدیری اصل، باقر، کلیات علم اقتصاد، تهران، مرکز نشر سپهر، ۱۳۷۹ش.
۱۲. گارودی، روزه، هشدار به زندگان، ترجمه علی اکبر کسمایی، تهران، هاشمی، ۱۳۶۲ش.
۱۳. گولدنر، الوین، بحران جامعه شناسی غرب، ترجمه فریده ممتاز، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۳ش.
۱۴. ماهنامه مهندسی فرهنگی، سال دوم، ش ۱۲، شهریور و مهر، ۱۳۸۶ش.
۱۵. متقی هندی، علاءالدین، کنز العمال، بیروت، مؤسسه الرسالة، ۱۴۰۵ق.
۱۶. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۱۷. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ترجمه حمید رضا شیخی، قم، دارالحدیث، ۱۳۷۷ش.
۱۸. مصباح یزدی، محمد تقی، آموزش فلسفه، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۵ش.
۱۹. موسوی، محمد علی و همکاران، «مصرف گرایی در آمریکا در بستر فضای مجازی؛ کارت های اعتباری و نظام اطلاع رسانی»، نشریه جهانی رسانه، بهار ۱۳۸۸، شماره ۷. آدرس اینترنتی: <http://gmj.ut.ac.ir/maghale.aspx?id=62>
۲۰. مک کینن، بیل، «نقش مذهب در نجات محیط زیست»، سیاحت غرب، ش ۱۷، آذر ۱۳۸۳.